

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - **مدیر مسئول:** محمد امین ایمانیجانی
قائم مقام: علی خضریان - **سردبیر:** مسعود فروغی - **مدیر هنری:** امید بهزادی
مدیر بازرگانی: فرشاد جمالوندی - **مدیر چاپ و توزیع:** احمد شیرازیان
دفتر مدیر مسئول: ۰۲۱-۶۶۴۸۰۱۶ - **تحریریه:** ۰۲۱-۸۸۲-۶۶۷۱۰۸۰ - **فکس:** ۰۲۱-۶۶۷۱۰۵۰۱-۶۶۷۲۰۴۷
- **روابط عمومی:** ۰۲۱-۶۶۷۱۰۴۹۹ - **سازمان آگهی ها:** ۰۲۱-۶۶۴۸۰۴۱۰۸
چاپ: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی - **توزیع فرهیختگان:** ۰۲۱-۶۶۴۸۰۱۱۰۱۲ - **نشانی:** خیابان حافظ، بعد از پل دوم حافظ، رویه روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

زیر آسمان جهان

پیرترین بندباز جهان

فرهیختگان یک زن ۸۶ ساله کالیفرنایی عنوان پیرترین بندباز جهان را به خود اختصاص داده و به تازگی نامش در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده است. به گزارش upi، او در جشن تولد ۷۸ سالگی اش گواهینامه بندبازی را دریافت کرد و خودش معتقد است اگر این گواهینامه نبود، هرگز به عنوان پیرترین بندباز جهان شناخته نمی شد. او با این ورزش به ترسش از ارتفاع غلبه کرده است اما با تلاشی که کرده، توانسته زندگی اش را تغییر دهد. اما او امیدوار است همیشه رکورددار این ورزش نباشد و کسی بتواند رکوردش را بشکند.



توب سواری در گردنه اسدلی بجنورد

عکس | ایرنا

زیر آسمان جهان

پلیس مقوایی در تگزاس

فرهیختگان یک پلیس تگزاسی با قراردادن پلیسی مقوایی در کنار بزرگراه های محل خدمتش که درحال کنترل سرعت خودروهاست، وانمود می کند پلیس همیشه در آنجا حضور دارد و با این کار توانسته تا حد زیادی خودروهایی را که با سرعت بالایی رانندگی می کنند، کنترل کند.

به گزارش upi، کار این پلیس راه حل خلافت های برای حل مشکل سرعت رانندگان است. رانندگان در نگاه اول تصور می کنند این پلیس واقعی است و به همین دلیل سرعت شان را کم می کنند. به تازگی این طرح در نزدیکی مدارس هم آزمایش شده است.



زاغه های هوشمند



است که روند توسعه درطول سالیان متمادی سنگ تجربه را در گردونه چرخ های مختلف محک زده و اینکه وضعیت توسعه در آینده چگونه خواهد بود، درحال حاضر یک سوال کلیشه ای به نظر می رسد. توجه به قرائن و شواهد نشان می دهد اکنون وارد دورانی شده ایم که اکثریت جامعه را نسل «زد» یا همان نسل هم سو با اینترنت تشکیل می دهد؛ نسلی که اکثریت آن به مصرف کنندگان قهاری نیز هستند و از همان بدو تولد بی چون و چرا در چننه اینترنت و گوشی های هوشمند و لپ تاپ و قرار دارند. سرنوشت محتوم نسل «زد» برای تمام عمر، استفاده از ارتباطات و رسانه های دیجیتال خواهد بود؛ چراکه نسل «زد» کاملاً در دوران پسانوگرایی، چندگانگی فرهنگی و جهانی سازی و به ترتیب با تغییرات دموگرافیک، در تعاریف توسعه شهرها نیز ایده ها و مفاهیم جدیدی زاده شده اند که نشأت گرفته از عصر تکنولوژی و دنیای دیجیتال و مجازی است. در این اواخر نیز تیغ نقد و بررسی روی موضوع

نگین نجارزلی

معمار و پژوهشگر

جامعه ایران درحال پوست اندازی و رشد است. از یک سو، سودای مدرن سازی ساختارها را دارد و از سویی عاشق سنت هاست و همین امر باعث شده دستیابی به سرشت شهرها و روند معماری در ایران کار دشواری باشد و برای معنا بخشیدن به تغییراتی که از دوران پهلوی تاکنون تحت لوای مدرنیته به وقوع پیوسته، از تعاریف متعددی استفاده شود. مواجهه واقعیت و رویا در تعاریف و تئوری های شهری هریک به نوعی می کوشند بیانگر یک آرمان شهر موعود باشند؛ با این حال، نتیجه تمامی گفتمان ها و آنچه امروز بر تارک شهرهای ما می درخشد، آن نیست که باید باشد. واضح

شهر هوشمند نسبت به دیگر گفتمان ها تیزتر شده است. حال سوالی که مطرح می شود اینکه آیا ممکن است این رویای شادمانه از «زیستی هوشمند» در آینده خود تبدیل به دیسپویتیایی شود که انسان گرفتار در حاکمیت فناوری و تکنولوژی و شهرها را ماهیت انسان محوری خود دورتر شوند؟ شهر هوشمند با تعاریفی زیبا و رویا گونه، ادعای آوردن جهانی برتر را دارد؛ جهانی که در آن نه از دود و دم ترافیک خبری است، نه از ساعت ها صبر و تلاش برای انجام وظایف و کارهای روزمره. در شهر هوشمند زباله های خانگی هم به طرقی هوشمندانه از مبدا تا مقصد تفکیک و بازیافت می شوند. یحتمل مبادلات با اینترنت و ربات ها بیشتر خواهد بود. ربات ها حتی به جای انسان در موارد سخت تصمیمات مهمی خواهند گرفت، بدون اینکه شما به رحمت بیفتید، ولی فاصله این تعاریف با واقعیت و رسیدن به یک شهر آرمانی انسان محور تا چه حد است؟ باید گفت ساختار مدیریت شهری و به تبع آن سیاست های مربوط به توسعه شهر را در ایران، مناسبات سیاسی و اقتصادی می سازد، نه «نیروهای مولد شهر». «نیروهای مولد شهر»، فرهنگ، نوآوری، خلاقیت، دانش، شهروندان، هویت شهر است که اگر به درستی ساختاری را در اختیار گیرند، در ادامه نهادها و سازمان های وابسته و ذی نفعان خرد و کلان نیز خواهند توانست هریک سهم خود را در بستر سیاست و اقتصاد شهری به دست بیاورند و پیدا کنند اما این روند در ایران به صورتی یأس آور و وارونه شده است. شاید به همین دلیل باشد که هرچه شهرها در توسعه هویتی و انسانی خود پا پس می کنند، در تفکر سیستم سرمایه داری بی محابا به جلو می تازند. این عقب نشینی ناخواسته و این پیشروی خواسته تضاد در جامعه را عمیق تر می کند. نتیجه اینکه فرهنگ در این میان قربانی منافع کوتاه مدت شخصی و حزبی و پروژه ای عده ای قلیل اما ژن خوب می شود و آنچه فراموش می شود، البته شهروندان و خود شهر است. نمونه همین تفکر است که در آخر پروژه هایی چون چال گودال ولیعصر و ایران مال را به وجود می آورد. البته پیچیدگی های تشدید شده در شهرهای ایران فقط به این موضوع ختم نمی شود؛ یکی از این دلایلی که به معضلی جدی بدل شده، همین گرفتار شدن آنگ اندیشه مابین سنت و مدرن زور بودن و شاید به قولی جهانی بودن است.

تو گویی اندیشمندان و استراتژیست های شهری ما طی این سال ها فقط در لایه سطحی انتخاب بین «تو» یا «من» گیر افتاده اند، بدون آنکه توانسته باشند به راه حلی میانه تر برای دستیابی به «ما» برسند. تا بدانجا که امروز دوری باطل را شکل داده ایم، و خطاهای دیروز را حتی شده پرنگ تر تکرار می کنیم. نمونه چنین رویکردی را در مسابقات اخیر معماری از جمله مسابقه پلاسکو نیز شاهد بودیم. یک طرف جامعه معماران تماشاگر و منتقد را داشتیم، یک طرف معمارانی که هریک به فراخور سلیقه طرحی و نقشی زده بودند، یک طرف داوران و در این میان شهر و مردم شهر در کجای این داستان بودند، فقط خدا می داند و پس. تا آنجا که گفته و شنیده شد پلاسکو دوبار سوخت؛ یک بار در اثر بی مبالائی و بار دیگر همین چند روز پیش در اندیشه و طرح معماران برای احیای پلاسکو. به هر حال اگر قرار است تغییری صورت گیرد و شهری هوشمند شود، بهترین شیوه آن است که اول مردم را در نظر بگیریم و بعد منافع بعدی را. ناگفته پیداست لازمه تغییر جدی، مواجهه با واقعیت است. رودررو ایستادن با آن و نه پنهان بردن به فانتزی هایی که امر واقعی را نادیده می گیرند. امروز تئوری هایی که شهر هوشمند را تعریف و تبیین می کنند، فارغ از درستی یا نادرستی شان به نظر می رسد بیش از هر چیز فانتزی سازی های تئوریک است برای عدم رسیدگی پایه ای به زیر ساخت های موجود. در این میان نیز همیشه افرادی خواهند بود که با رصد اوضاع بر موج های موجود سوار شوند و وضعیت اسرانیژیک توسعه را به سمت منافع اقتصادی خود تغییر دهند. جریانات قدرت و حتی در این میان معماران و شهرسازانی که دستي برآتش دارند، اغلب با شهر و شهروندان آن، برخوردی کالایی دارند؛ چارچوبی را برای توسعه و اجرایی سازی شهر هوشمند تعریف و تولید می کنند که «خود» مصرف کننده و منتفع از آند و نه «همگان». این درحالی است که تعریفی که امروز برای شهر هوشمند مطرح می کنیم فردایی نه چندان دور، خود تبدیل به کاربستی سازمان یافته خواهد شد برای توسعه شهرهای آن روز. در صحنه شهر، هر حرکت اشتباهی نتایج جبران ناپذیری دارد. سیاست شهرهای ایران طی سالیان طولانی پیچیده تر شده و دیگر نمی دانی انتخاب کنی که با پرشدن شهرها از معماری کلاسیک، آیا نمای رومی، حال خود به بخشی از

هویت ملی و ایرانی ما در دهه اخیر بدل شده یا که خبر، کمافی سابق نمای اجنبی. با این اوصاف بیم آن می رود که هر ناشی گری در زمینه شهر هوشمند نیز منجر به از بین رفتن میراث انسانی و ملی شده و به بازار مصرفی برای سازمان ها و شرکت های بزرگ و جهانی تکنولوژی و فناوری های نو و بعضاً حتی غیر ضروری تبدیل شویم. به همین دلیل به نظر می رسد شهرهای ایران برای پیوستن به معادلات روز جهانی و هم زمان باقی ماندن در هویت و فرهنگ خود، نیازمند خلق استعاره های تازه هستند؛ استعاره هایی که وجود شهر هوشمند را به صورت ملی توجیه کند و به وسیله ایده های شهر هوشمند شرایط شهرها رو به بهتر شدن برای مردمان شهر بگذارد و نه دیگران. در واقع آنچه در تئوری ها و تعاریف شهر هوشمند همواره از دید مدعیان آن پوشیده مانده است، بی تفاوتی به نقش خود انسان در این وانفاسات. به هر حال زمانه آن رسیده است که شهرسازان و معماران عیار شهردوستی شان بیشتر عیان شود. بررسی مباحث شهر هوشمند برای رسیدن به یک الگوی کلی به صورتی سیستماتیک و در عین حال خلاقانه به شدت لازم است. اگر می خواهیم شهر نه تنها برای امروزان خوب باشد بلکه میراثی ماندگار و روبه رشدی برای آیندگان نیز، باید با برخوردی واقع بینانه تر، مقولات جدی و بنیادین امروز را در شهرها بررسی کنیم و سپس راه حل هایی هوشمندانه برای آنها ارائه دهیم. شهر هوشمند و توسعه خلاقانه فضا و شهر و شهروندان به صورت موازی زمانی اتفاق می افتد که دیالکتیک و گفتنای مؤثر مابین هر کدام از طرفین صورت پذیرد. باید تفکر جاری و ساری شهروندان را در طراحی و توسعه شهرهایمان دخالت دهیم و به شهروندان از کوچک ترین تا بزرگ ترین آنها فرصت دهیم که خلاقیت و اندیشه های خود را در شهر جاری کنند و از این عامل به عنوان یک «نیروی به شدت مولد» برای شهر استفاده کنیم. وگرنه آنچه در آینده به جا می ماند چه بسا فقط زاغه هایی هوشمند باشد؛ شکل گرفته در اطراف بنگاه های فروش لوازم و ابزار آلات هوشمند سازی. بیایید یک بار دیگر از خود بپرسیم، در شرایط فعلی ایران، بدون بررسی ساختارهای واقع گرایانه و آسیب شناسی ها، سود شهر هوشمند در کجاست؟ باید به انتظار نشست و معادلات را دنبال کرد.

سلامت

آفریقایی چهار برابر بیشتر می کند. علاوه بر این، سکونت در شهری که آب آن منطقه ملو از PFAS باشد، مسمومیت های شدیدتری را ایجاد می کند. اما متاژگی مشخص شده اصلی ترین منبع تمرکز این ماده شیمیایی نخدندان است. بررسی حدود ۱۸ برند تولیدکننده نخدندان نشان می دهد فلوئور موجود در این ماده شیمیایی به عنوان پوشش نخدندان مورد استفاده قرار می گیرد. Oral-B یکی از معروف ترین برندهای نخدندان است که از این نوع ماده شیمیایی خطرناک در پوشش محصول خود استفاده می کند که باعث تجمع این ماده شیمیایی در بدن می شود. البته این به معنای توقف استفاده از نخدندان نیست بلکه هشدار است مبنی بر اینکه در انتخاب خود دقت کرده و نخدندان هایی بخرید که فاقد این ماده مضر باشند.



نخدندان های سمی

فرهیختگان دندانپزشکان همیشه توصیه می کنند بعد از مسواک زدن حتماً از نخدندان استفاده کنیم زیرا به عنوان نوعی مکمل برای تمیزی دندان ها به کار می رود. غافل از اینکه مارک نخدندان می تواند در داشتن دندان هایی سالم تر و تمیزتر مؤثر باشد، اما نتایج تحقیقاتی که به تازگی صورت گرفته نشان می دهد روی نخدندان ها اثراتی از نوعی ماده شیمیایی خطرناک PFAS دیده شده است. محققان رد پای این ماده شیمیایی را در خون داوطلبانی پیدا کردند که پیش از آزمایش از نخدندان استفاده کرده بودند. این کشف، استفاده از نخدندان را دچار ضدتوقیفی هایی کرده است. کمتر از یک سال پیش هم آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا همین ماده شیمیایی خطرناک را در آب آشامیدنی ۳۳ ایالت آمریکا شناسایی کرد و رسانه ها از انتشار این خبر منع شدند. این ماده شیمیایی به این راحتی ها تجزیه نمی شود و در بافت های بدن حیوانات جمع می شود. مطالعاتی که روی اثرات بهداشتی این ماده شیمیایی انجام شده، حاکی از آن است که این ماده شیمیایی سیستم ایمنی بدن را ضعیف می کند، به کبد آسیب می زند، روی جنین داخل رحم اثر منفی به جا می گذارد و حتی ممکن است باعث بروز برخی انواع سرطان ها شود. درحالی که

بازی

دختران تان یک پای بازی های رایانه ای



ندا اظهري

مترجم

روند را تغییر داد. در واقع، باید این ذهنیت را تغییر داد که تنها مردان می توانند بازی رایانه ای انجام دهند. مشکل از آنجا ناشی می شود که دختران باید بازی های رایانه ای بیشتری بازی کنند، چراکه این بازی ها یک ابزار آموزشی قوی محسوب می شود. به گزارش ragezone، این بازی ها مهارت های فضایی کودکان را تقویت می کنند که در آینده می تواند موفقیت های خوبی را از نظر تحصیلات برای آنها رقم بزند. مشاغل امروزی در دنیای فناوری جایگاه خاصی پیدا کرده اند، فناوری به سرعت در حال تغییر است و چنانچه دختران بخشی از این معادله نباشند، تعادل بازار کار در حوزه فناوری بر هم می خورد. اما حتی دخترها هم حق دارند به اندازه پسرها از لذت این بازی ها بهره مند شوند و آن را تجربه کنند. پس

